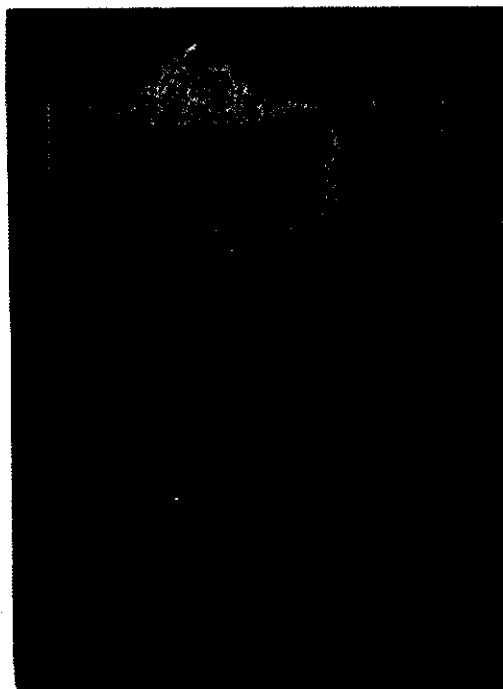


سیری در کتاب احکام الخلل فی الصلاة

محمد رحمانی



فقهای قبل از محقق یا این مسائل را متعرض نشده‌اند و یا اینکه تحت عناوین دیگری به اختصار از آن بحث کرده‌اند. از باب مثال شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) در کتاب المقنع فی الفقه، زیر عنوان «باب السهو فی الصلاة» مسائلی از احکام سهو را مورد بحث قرار داده است.^۲ هم ایشان در کتاب الهدایة بالخیر، زیر عنوان «باب مایعاد منه الصلاة» فقط حدیث معروف لاتعاد الصلاة الا من خمس را آورده‌اند و گذشته‌اند.^۳

شیخ مفید (۳۳۶-۴۱۳ق) در کتاب المقنعه فی الاصول والفروع، زیر عنوان «باب احکام السهو فی الصلاة و ما یجب منه اعاده الصلاة» احکام سجده سهو و کیفیت خواندن سجده سهو و چند بحث دیگر را به طور اجمال مورد بحث قرار داده‌اند.^۴

سید مرتضی علم الهدی (۳۳۵-۴۳۶ق) در کتاب جمل العلم والعمل، با تقسیم بندی جدیدی نسبت به

آثار فقهی شیخ الفقها والمجتهدین، فقیه بلند پایه قرن سیزدهم، پربرگ است و پر بار. آثار جلیل فقهی شیخ به دقت نظر، استواری آراء، نقد و بررسیهای ژرف مشهور است.

از جمله آثار مهم و سودمند آن بزرگوار، احکام الخلل فی الصلوة است که اکنون در آستانه برگزاری کنگره شیخ اعظم، به همت گروه تحقیق آثار آن فقیه ارجمند، به گونه‌ای شایسته، تحقیق و عرضه شده است. در این مقاله نگاهی داریم گذرا به این اثر گرانبقدر. در آغاز به پیشینه بحث می‌پردازیم و سپس به مسائل دیگر.

پیشینه بحث از احکام خلل

از عوامل و عناصری که در اجتهاد و استنباط صحیح و عمیق، نقش بسزایی دارد، توجه به شرایط زمان و مکان صدور آیات و روایات و تحقیق و تفحص در سیر تاریخی و مراحل تکامل مسائل فقهی است. از این رو، اجمالی از سرگذشت تاریخی موضوع مورد بحث بیان می‌گردد.

از میان فقها، اولین کسی که عنوان خلل را برای مجموعه‌ای از مباحث و مسائل فقهی برگزیده، ظاهراً محقق حلّی (م ۶۷۶) در شرایع است.^۱

۱. سلسلة الینایع الفقهیه، ج ۴، ص ۸۱۵.

۲. همان، ج ۳، ص ۵۶.

۳. همان، ج ۲، ص ۸۶.

۴. همان، ج ۳، ص ۱۲۴.

تقسیمات فقهای قبل، فروع بیشتری را مورد بحث قرار داده اند.^۵ همچنین ایشان در کتاب المسائل الناصریات، در مسأله ۱۰۱ و ۱۰۲، اجمالی از مباحث سهو و شک را آورده اند.^۶ ابوصلاح حلبی (۳۴۷-۴۴۵ق) در کتاب الکافی فی الفقه، زیر عنوان «فصل فی حکم السهو فی عدد الركعات» علاوه بر مباحث سهو و شک، که گذشتگان مورد بحث قرار داده اند، بحث از ارکان را نیز مطرح کرده است.^۷

شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ق) در کتاب النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، عنوان «باب السهو فی الصلاة و احکامه و مایجب منه اعادة الصلاة» را انتخاب کرده و همان مباحث طرح شده در کتابهای قبلی را با شیوه دیگری بیان کرده و فقط مواردی از خلل که نماز را باطل نمی کند، بر شمرده است.^۸ هم ایشان در کتاب دیگر خود، الجمل والعقود، در فصل مربوط، شیوه بحث را تغییر داده اند و بتفصیل می فرمایند: سهو بر پنج نوع است: ۱- سهوی که سبب اعادة نماز می شود (و بیست و پنج مورد برای آن بر شمرده اند) ۲- سهوی که حکم خاصی ندارد (و دوازده مورد را ذکر می کنند) ۳- سهوی که موجب می شود همان عمل مورد سهو تدارک گردد؛ یا در اثنای نماز و یا بعد از نماز (و هفت مورد برای آن بر می شمارند) ۴- سهوی که موجب احتیاط است (و پنج مورد برای آن بر می شمارند) ۵- سهوی که باعث جبران به وسیله دو سجده سهو می گردد (و چهار مورد برای آن بر می شمارند).^۹ لازم به یادآوری است شبیه این تقسیم بندی را سید مرتضی در جمل العلم کرده است.

سلار (۴۶۳ق) در المراسم العلویة، با عنوان «ذکر مایلزم المفروض فی الصلاة» می فرماید: پنج نوع عمل بر مفروض در نماز لازم می شود. بعد تقسیم جدیدی را ارائه می دهد.^{۱۰}

قاضی ابن براج (۴۰۰-۴۸۱ق) در کتاب الجواهر الفقه، ضمن شش مسأله، به طور خیلی مختصر این مباحث را متعرض شده است.^{۱۱} ولی در کتاب المهذب^{۱۲} تقسیم سید مرتضی و شیخ را نقل کرده و بحث مفصلتری ارائه داده است.

ابن حمزه در کتاب الوسيله الی نیل الفضیله، تحت عنوان فصل فی بیان احکام السهو، فقط عنوان را تغییر داده، ولی مطالب تکرار مطالب کتابهای فقهای دیگر است.^{۱۳}

در اینجا مناسب است اجمالی از سیر تکاملی این بحث را در میان فقهای بعد از شیخ اعظم مورد بحث قرار دهیم. پیشتر یادآور شدیم عواملی موجب شده که مباحث خلل در بین فقها با اهمیت تلقی گردد. از جمله ابتلا و احتیاج عامه مکلفین و از جمله صدور احادیث فراوانی از ائمه معصومین - صلوات الله علیهم اجمعین - در این باب. و از جمله راه پیدا کردن مباحث دقیق علمی و عقلی، خصوصاً علم اجمالی شک در رکعات و غیر آن.

و از جمله ارتباط چند قاعده فقهی مهم به این بحث که درباره هر یک از آنها کتاب و رساله های مستقلی تدوین شده است.

این عوامل و غیر آن، سبب شد بسیاری از فقهای که کتابی در صلاة نوشته اند، بخش بسیار زیادی از کتاب خود را به مباحث خلل اختصاص دهند. مضافاً اینکه به دلیل اهمیت این مسائل، بسیاری از فقها کتاب مستقلی در این باب نوشته اند، که اشاره به بعضی از آنها خالی از فایده نخواهد بود.

۱- الخلل فی الصلاة، تألیف میرزا ابراهیم بن ابی الفتح زنجانی (م ۱۳۵۱).

۲- الخلل فی الصلاة، تألیف شیخ ابراهیم قطیفی.

۳- الخلل فی الصلاة، تألیف شیخ جمال الدین احمد بن محمد بن فهد حلی (م ۸۴۱).

۴- الخلل فی الصلاة، تألیف شیخ محمد باقر گلپایگانی نجعی (م ۱۳۳۲).

۵. سلسلة الینایع الفقهیة، ج ۳، ص ۲۴۸.

۶. همان، ج ۳، ص ۱۷۹.

۷. همان، ج ۳، ص ۲۷۷.

۸. همان، ج ۳، ص ۳۱۲.

۹. همان، ج ۳، ص ۳۵۶.

۱۰. همان، ج ۳، ص ۲۸۴.

۱۱. همان، ج ۳، ص ۳۹۳.

۱۲. همان، ج ۳، ص ۴۶۶.

۱۳. همان، ج ۴، ص ۵۸۸.

- ۲۲- الخلل فی الصلاة، تألیف شیخ میرزا نصرالله الفارسی المشهدی (م ۱۲۹۱).
- ۲۳- الخلل فی الصلاة، تألیف شیخ نعمه بن شیخ علاءالدین بن امین الدین بن محیی الدین بن محمود بن احمد بن محمد بن طریح النجعی (م ۱۲۹۳).
- ۲۴- احکام خلل فی الصلاة، تألیف میرزا محمد تقی شیرازی (م ۱۳۳۸).
- ۲۵- رساله فی خلل الصلاة، تألیف زین الدین علی بن خطی بحرانی.
- ۲۶- رساله فی خلل الصلاة، تألیف شهید اول (م ۷۸۶).
- ۲۷- رساله فی خلل الصلاة، تألیف محقق کرکی (م ۹۴۰).
- ۲۸- رساله فی خلل الصلاة، تألیف شهید دوم (م ۹۶۶).
- ۲۹- الخلل فی الصلاة، تألیف امام خمینی که تقریباً مفصلترین و جامعترین کتاب در این بحث است.

نگاهی به فقه اهل سنت

بی گمان اطلاع از نظریات فقهای اهل سنت از عوامل و عناصر بسیار مؤثر در فهم اخبار و کیفیت اجتهاد است. بویژه بنا بر قول آیت الله العظمی بروجردی، فقه شیعه، حاشیه ای است بر فقه اهل سنت^{۱۴}. پس با فهمیدن متن، حاشیه آن بهتر فهمیده می شود. از این رو اجمالی از نظریات فقهای قدیم اهل سنت را مورد اشاره قرار می دهیم.

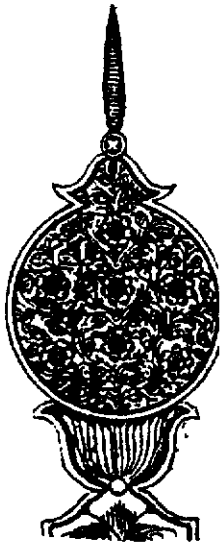
- ۱- در کتاب الام، تألیف محمد بن ادریس شافعی، بابی با عنوان «باب السجود السهو» گشوده شده و تنها مسائل سهو و شکوک به اختصار مورد بحث قرار گرفته است. ۱۵
- ۲- در کتاب مبسوط، تألیف شمس الدین سرخسی، عنوان «باب السهو» آمده و اجمالی از مبطلات نماز، مانند زیاد کردن رکعت، ترك سجده، مسائل شکوک، مورد بحث قرار گرفته است. ۱۶
- ۳- شرح روض المطالب فی اسنی المطالب، تألیف

- ۵- الخلل فی الصلاة، تألیف سید محمد باقر بن ابی القاسم طباطبائی حائری (م ۱۳۳۱).
- ۶- الخلل فی الصلاة، تألیف سید محمد تقی بغدادی.
- ۷- الخلل فی الصلاة، تألیف میرزا حبیب الله بن محمد علی الرشتی (م ۱۳۱۲).
- ۸- الخلل فی الصلاة، تألیف شیخ میرزا محمد حسن آشتیانی (م ۱۳۱۸).
- ۹- الخلل فی الصلاة، تألیف شیخ آقا حسن بن المولی ابراهیم بن المولی باقر نجم آبادی (م ۱۲۸۴).
- ۱۰- الخلل فی الصلاة، تألیف شیخ الفقیه الحاج محمد حسن بن الحاج محمد صالح کبة البغدادی (م ۱۳۳).
- ۱۱- الخلل فی الصلاة، تألیف جمال السالکین الآخوند المولی حسینقلی الدرجزینی الهمدانی (م ۱۳۱۱).
- ۱۲- الخلل فی الصلاة، تألیف مولی محمد ظاهر بن محمد حسین شیرازی القمی النجفی (م ۱۰۹۸).
- ۱۳- الخلل فی الصلاة، تألیف میرزا محمد علی بن محمد نصیر چهاردهی (م ۱۳۳۴).
- ۱۴- الخلل فی الصلاة، تألیف مولی محمد علی بن محمد حسن بن محمد علی بن نصیر الدین بن محمد رفیع بن محمد شفیع بن محمود (م ۱۲۵۴).
- ۱۵- الخلل فی الصلاة، تألیف میرزا محمد تنکابنی (م ۱۳۰۲).
- ۱۶- الخلل فی الصلاة، تألیف المولی محمد بن محمد باقر الشهیر بالفاضل الایروانی (م ۱۳۰۶).
- ۱۷- الخلل فی الصلاة، تألیف سید محمد بن الامیر قاسم الطباطبائی الفشارکی (م ۱۳۱۶).
- ۱۸- الخلل فی الصلاة، تألیف شیخ محمد بن قاسم الحجی البرانی النجعی.
- ۱۹- الخلل فی الصلاة، تألیف سید میرزا محمد بن حبیب الله الفقیه الرضوی المشهدی (م ۱۲۶۴).
- ۲۰- الخلل فی الصلاة، تألیف میرزا محمد بن الحسن الشیروانی الاصفهانی (م ۱۰۹۸).
- ۲۱- الخلل فی الصلاة، تألیف سید محمد مهذبی بن مرتضی بن السید محمد بن عبدالکریم الطباطبائی البروجردی النجفی (بحر العلوم) (م ۱۲۱۲).

۱۴. مجله آینه پژوهش، شماره ۷ سال دوم، ص ۳۰.

۱۵. الام، ج ۱، ص ۱۲۸، چاپ دار المعرفه.

۱۶. المیوسط، ج ۱، ص ۲۲۰.



شیخ اعظم مورد تردید محققان محترم بوده، با این مجموعه چاپ نشده است.

هدف این نوشتار معرفی اجمالی کتاب و تبیین امتیازات و برجستگیها و احيانا کاستیهای بخش اول کتاب (خلل الصلاة) است.

شیوه تقسیم بندی

شیوه تقسیم بندی و انتخاب عنوان برای مطالب در هر کتابی، نقش اساسی در تفهیم مطالب دارد. البته روشهای تبویب مطالب مختلف است و هر مؤلفی روش خاصی برای تقسیم و تبویب برمیگزیند.

شیوه تبویب در این کتاب تقسیم مباحث به مطالب است و همه مباحث در چهار مطلب به ترتیب زیر آمده است.

مطلب اول: درباره اموری است که اخلال به آنها موجب اعاده نماز می شود. در ذیل این عنوان، مباحثی چون اخلال سهوی به ارکان و غیر ارکان، اقسام جاهل

۱۷. شرح روض المطالب، ج ۱، ص ۱۸۸، ۱۹۰ و ۱۹۲، چاپ المکتبه الاسلامیه.

۱۸. المحلی، ج ۲، ص ۲۷۸، چاپ المکتبه التجاری للطباعة و التوزیع و النشر.

۱۹. بدایع الصنائع، ج ۳، ص ۱۶۳، چاپ دار الکتاب.

۲۰. المدونه الکبری، ج ۱، ص ۳۳، چاپ دار التراث العربی.

امام ابی یحیی زکریا الانصاری الشافعی، زیر عنوان «الباب السادس فی السجادات» احکام سجده، ترتیب ارکان، ترک رکن، ترک تشهد، عدم تعدد سجود، و غیره شده است. ۱۷

۴- در کتاب المحلی، تصنیف ابو محمد علی بن احمد بن سعید بن حزم، تحت عنوان «سجود السهو» همان مسائل بحث شده است. ۱۸

۵- در کتاب بدایع الصنائع فی ترتیب الشرایع، تألیف امام علاء الدین ابی بکر بن مسعود الکاشانی الحنفی، ذیل عنوان «سجود السهو» مختصری از احکام سجود، سبب وجوب سجود و محل وجوب، مورد بحث قرار گرفته است. ۱۹

۶- در کتاب المدونه الکبری تألیف امام مالک بن انس، تحت عنوان «ما جاء فی السهو فی الصلاة» همان مسائل مورد بحث قرار گرفته است. ۲۰

نگاهی به کتاب

این کتاب از چهار عنوان به ترتیب زیر فراهم آمده است:

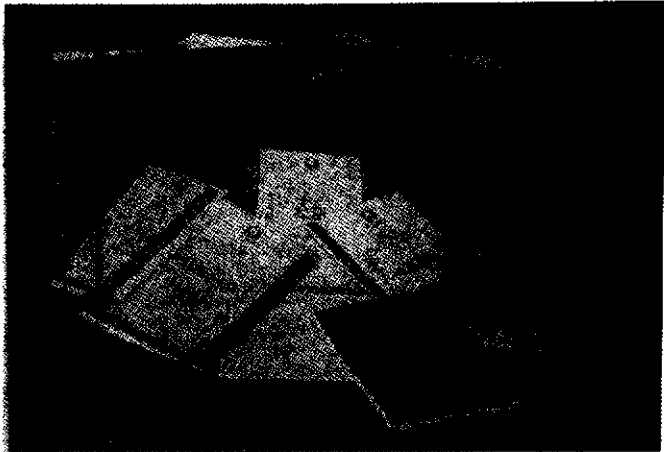
۱- خلل الصلاة که شرحی است بر مبحث خلل صلاة قواعد الاحکام علامه حلی (۷۲۶).

۲- فی الخلل الواقع فی الصلاة، مشتمل بر ۳۳ مسأله مربوط به مباحث خلل در نماز که اغلب آنها تکرار عنوان اول است.

۳- فی الخلل الواقع فی الصلاة، رساله دیگری است در بحث خلل صلاة که شرح ارشاد الازهان علامه حلی است.

۴- ملحق احکام الخلل، مشتمل بر نه مسأله درباره احکام و صور نسیان سجدتین، رکوع و تشهد است. این بخش دنباله نسخه خطی رساله دوم است که پیشتر همراه با نسخه چاپ شده نیامده است. لذا محققان برای استفاده بیشتر پژوهشگران در آخر کتاب آورده اند. و چون مطالب ناقص بوده، از تعلیق خودداری شده است.

گفتنی است نسخه خطی دیگری با عنوان خلل الصلاة در کتابخانه مبارکه رضوی (ع) موجود است که شرح شرایع علامه حلی است. از آنجا که انتساب آن به



قاصر و حکم آن و به مناسبت بحث، از این مسائل سخن رفته است: نماز در لباسی که از پوست حیوان است و علم به مذکّی بودن آن نیست؛ نماز در لباسی که از پوست است و مردد است بین مأكول اللحم بودن و غیر مأكول اللحم بودن؛ حکم کم و زیاد شدن سهوی یک رکعت در نماز واجب؛ شک در نماز دو رکعتی و سه رکعتی و شک در دو رکعت اول نماز چهار رکعتی و شک در عدد رکعات نماز آیات؛ و در پایان حکم کسی که نمی داند چند رکعت نماز خوانده است مورد بحث قرار گرفته است.

مطلب دوم: دربارهٔ اموری که اخلال به آنها نماز را باطل نمی کند، بلکه وظیفهٔ تدارک آن عمل با سجدهٔ سهو است. یا فقط تدارک بدون دو سجده سهو لازم است. ذیل این عنوان مباحثی چون نسیان یک سجده واجب، نسیان تشهد، نسیان قرائت قبل از رکوع، نسیان رکوع قبل از سجده، نسیان دو سجده قبل از رکوع و نسیان صلوات بر پیامبر و آل او (ص) مطرح شده است.

مطلب سوم: دربارهٔ اموری که اخلال به آنها حکم خاصی ندارد.

این بخش شامل مباحث زیر است: نسیان قرائت و اطلاع در حال رکوع، نسیان جهر و اخفات، نسیان ذکر رکوع، شک در واجب بعد از انتقال به واجب دیگر، معنی خروج از واجب و دخول در واجب دیگر، شک در سجده در حال تشهد، شک در سجده در حال قیام، شک در صحت بعد از انتقال به واجب دیگر، معنای سهو و اقسام آن، حکم کثیر الشک، حکم کثیر النسیان، و معنای شک، سهو، ذکر و علم.

در پایان مطلب سوم و با عنوان تنبیهات، به این مسائل پرداخته شده است:

حکم عدم اعتنا به شک، عزیمت (واجب) است نه رخصت (جایز)، لزوم دو سجدهٔ سهو دربارهٔ کثیر الشک در موارد لزوم سجده، عرفی بودن معنای کثیر الشک، زوال حکم کثیر الشک با قلّت شک.

در خاتمهٔ مطلب سوم مجدداً با عنوان «ینبغی التنبیه

علی امور» ده مطلب را طرح کرده اند. از جمله: لزوم رجوع امام به مأوم، اعم از زن و مرد، صبی و بالغ، عدم لزوم حصول ظن در رجوع امام به مأوم، رجوع شاک به ظان و ظان به متیقن در نماز جماعت، شک همزمان امام و مأوم. مطلب چهارم: دربارهٔ اموری است که اخلال به آنها موجب نماز احتیاط می شود.

در این بخش مباحثی چون احکام و اقسام شکوک، وجوب عمل طبق ظن مطلق (در هر شکمی که باشد)، اعتبار ظن در افعال، معنای بنای بر ظن، وجوب و عدم وجوب تردی مطرح شده است.

در پایان با عنوان فروع، به واجبات نماز احتیاط، حکم حدث بین فریضه و نماز احتیاط، حکم حدث بین فریضه و اجزای فراموش شده، زیادت رکعت سهواً، موارد وجوب سجده سهو، واجبات سجده سهو و محل سجده سهو پرداخته شده است.

تکثیر فروع

یکی از ویژگیهای فقیه اصولی متضلع در اخبار و اقوال فقها، قدرت بر تفریع و تکثیر فروع است. شیخ اعظم در این میدان مانند میدانهای دیگر، گوی سبقت را از فقهای گذشته برده است. شاهد بر این مدعا، کتاب حاضر است. گسترش توسعهٔ این بحث در حدی است

که واژه تکامل نمی تواند بیانگر آن باشد، بلکه از واژه های دیگری همچون جهش باید بهره برد. برای نمونه به چند مورد اشاره می شود:

در بیان حکم جاهل قاصر به رکبیت می فرماید: اگر جاهل قاصر عملی را با اذن شارع انجام دهد، مثلاً با استصحاب طهارت نماز بخواند، سپس کشف خلاف شود، نماز او صحیح است و اعاده لازم ندارد. چون در حال جهل به واقع ذمه اش برئ شده و زوال منشأ برائت (جهل) و زوال منشأ استصحاب (یقین سابق و شک لاحق) موجب نمی شود عمل قبلی باطل گردد. لذا فقها حکم به استصحاب نجاست آبی کرده اند که با ملاقات نجس تغییر کرده و بعداً تغییر زایل شده و در مواردی فقها حکم به صحت کرده اند. مانند کسی که با آبی تطهیر کرده و یا در لباس و یا مکانی نماز خوانده و سپس کشف شود که آب و مکان و لباس غصب بوده است. همچنین در مورد کسی که نماز را در لباسی خوانده و یا سجده را بر مکانی کرده که بعد معلوم شده لباس و مکان نجس بوده است. نیز در مورد کسی که نماز را خوانده، بعد معلوم شده که بدن نجس بوده و یا نماز را در لباسی خوانده و یا لباسی همراه با نماز گزار بوده و بعد معلوم شده لباس از حیوان غیر مذکّی بوده است. در جمیع این فروع دهگانه فرموده نماز صحیح است و صحت را مبتنی کرده است بر همان اصل یعنی زوال منشأ برائت و استصحاب سبب بطلان عمل قبلی نمی گردد. (ص ۳۰)

و به مناسبت بحث در ذیل صحیحۃ زرارۃ، ثم قال (ع) یا زرارۃ اذا خرجت من شیء ثم دخلت فی غیره فمشکک لیس بشیء می فرماید: «شیء و غیر» در متن صحیحۃ یا مخصوص واجبات مستقله نماز است، مثل قرائت رکوع و سجود، و یا اعم است از واجبات مستقله معهوده و اجزای واجب؛ مانند یک آیه در قرائت. و در هر یک از دو صورت «شیء و غیر» یا مخصوص افعال واجب نماز است و یا اعم است از واجبات عملی و مقدمات واجب. مثل هوئی (شروع) به سجده. و در هر یک از چهار صورت «شیء و غیر» یا مخصوص واجبات نماز است و یا اعم از واجبات و مستحبات است؛ مانند

قنوت. بنگرید چگونه شیخ از احتمالاتی که در معنای دو کلمه داده است، در حدود هشت فرع فقهی استخراج کرده و همه ثمرات فراوان دارند و فقهای بعد از شیخ آنها را مورد بحث و نظر قرار داده اند. (ص ۸۹)

همچنین به مناسبت بحث از قاعدة «سهو فی السهو» که مستفاد از روایت حفص بن بختری است (عن ابی عبدالله: لیس علی الامام سهو ولا علی من خلف الامام سهو ولا علی السهو سهو ولا علی الاعادة اعادة)، می فرماید: سهو یا به معنای نسیان است و یا به معنای شک و یا اعم است از نسیان و شک. با این احتمالات معنای روایت مجمل می شود. لذا باید صورتهای مسأله را جدا جدا مورد بحث قرار دهیم و بنابراین مسأله هجده صورت می یابد. چون با ضرب سه احتمال در معنای سهو منفی (سهو اول) در سهو منفی فیه (سهو دوم)، رقم نه حاصل می شود و در هر یک از این نه احتمال، سهو یا به معنای خود سهو است و یا به معنای موجبات سهو، که جمعاً هجده احتمال می شود. شیخ اغلب این هجده احتمال را مورد بحث و مذاقه قرار داده و احکام مختلفی نیز بر آنها مترتب ساخته است.

محققان محترم به مناسبت بحث از سهو در نماز، داستانی را در تعلیقه از شیخ اعظم در مورد اهمیت حضور قلب در نماز نقل کرده اند که نقل آن خالی از فایده نیست.

شیخ اعظم در آخر عمر دچار ضعف نور چشم می گردد. لذا کتابی را که لازم بود به آن مراجعه کند، فرزندش می خوانده است. روزی فرزندش عبارتی را می خواند که در آن صاحب ریاض از مجمع الفائدة نقل اجماع کرده است.

شیخ اعظم می فرماید: علاقه مند است خودش عبارت را ملاحظه کند. بعد از تتبع در مظان اجماع در مجمع الفائدة به اجماع برخورد نمی کند. در همان حال وقت نماز می رسد. شیخ اعظم و فرزند برومندشان مشغول اقامه نماز می شوند. بعد از اقامه نماز فرزندش می فرماید احتمالاً این اجماع در جاهای دیگر باشد. شیخ

می گوید به ذهن من هم خطور کرده که باید اجماع در جاهای دیگر باشد. شیخ از فرزندش می پرسد چگونه به ذهن شما خطور کرد. می گوید در اثنای نماز. «فهنّا تعجّب الشیخ - قدّس سره - و قال متکرراً: و هل یفکر احد فی الصلاة فی غیر الله تعالی». (ص ۱۰۲)

استفاده از روایات

یکی دیگر از امتیازات فقیه محقق، استفاده دقیق از سرچشمه زلال و ناب احادیث ائمه طاهرین (ع) برای استنباط احکام شرعی است. چه آنکه فقه چیزی نیست جز فهم قرآن و سنت و تطبیق عالمانه مسائل با توجه به قواعد اصولی بر قرآن و سنت. لذا سرتاسر کتاب حاضر مملو از احادیث ائمه (ع) است.

کثرت روایات به حدّی است که کمتر فرعی پیدا می شود که حداقل مستند به روایتی نباشد. در این اثر، بیش از ۲۵۰ مورد به احادیث تمسک شده که به علت وضوح مطلب از ذکر نمونه خودداری می شود.

طرح مباحث رجالی

در هر کتاب فقهی که احادیث ائمه طاهرین (ع) در آن آمده است، ناگزیر مباحث رجالی را به دنبال دارد. در غیر این صورت کتاب ناقص خواهد بود. لذا در جای جای کتاب بحثهای رجالی عمیق و عالمانه به چشم می خورد. به عنوان نمونه:

۱- درباره فقه منسوب به امام رضا (ع) می فرماید: ولم یظهر مستند له عدا الرضوی ولا دلیل علی اعتباره سیما مع مخالفته لعمل المشهور. (ص ۲۶)

۲- درباره ابی جمیله می فرماید: مع ضعفها ب«ابی جمیله». (ص ۴۱)

۳- درباره جبر ضعف سند روایت به شهرت می فرماید: والجواب أما عن العمومات فبتخصیصها بروایة محمد بن مسلم المنجبر ضعف سندها بالشهرة العظیمة. (ص ۴۷)

۴- درباره نقل راوی از راوی دیگر که او را درک نکرده است، می فرماید: لیس فی هذا الروایة شیء الا آن «الحسین بن سعید» روی عن فضالة بن ایوب و لم یلقه نعم

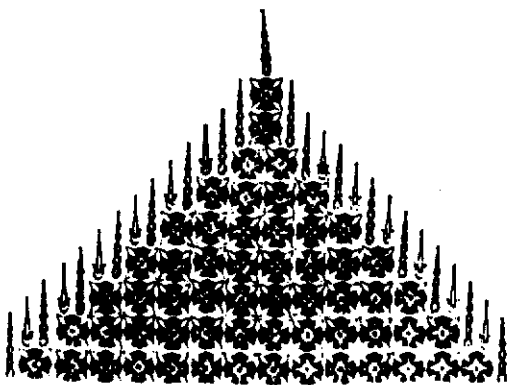
یروی عنه بواسطة الحسن بن سعید اخیه و هو و ان کان ثقه لکن لعلّ الواسطه هنا غیره فالروایة مرسله. (ص ۵۶)
برای اطلاع بیشتر از مباحث رجالی به صفحه ۶۲، ۷۱، ۹۵، ۹۶، ۱۰۰، ۲۰۲ و ۲۴۵ مراجعه شود.

تبع در اقوال فقها

بی گمان یکی از عناصر مؤثر در اجتهاد صحیح، تبع در اقوال فقها، خصوصاً اقوال صاحبان اصول متلقات است. چون احتمال اینکه روایاتی در دسترس آنها بوده و در جوامع حدیثی ما نیامده، بسیار قوی است. از این رو فقیه برای اطمینان بیشتر، ناگزیر از مراجعه به اقوال آنهاست که بعضاً متن حدیث را فتوای خویش قرار داده اند. کتاب مورد بحث از این امتیاز و ویژگی نیز در حد اعلا برخوردار است و در سرتاسر کتاب توجه به فتاوای فقهای گذشته، خصوصاً صاحبان اصول متلقات، به چشم می خورد. به عنوان نمونه به مواردی اشاره می شود:

۱- به مناسبت این بحث که اگر رکوع در نماز سهواً ترك گردد موجب اعاده است، به احادیثی استناد می جوید و بعد می فرماید: وعدم صحّة بعضها غیر قاذح بعد الاعتضاد بمطابقة الاصل و... و فتوی جمهور القدماء - عدا الشیخ - کالمفید و السید و العمانی و الدیلمی و القاضی و الحلّی و الحلّی و عامّة المتأخرین. (ص ۲۴)
۲- می فرماید: و هنا قول آخر محکی عن الاسکافی و والد الصدوق. (ص ۲۶)

به مناسبت این بحث که زیاد شدن یک رکعت سهواً موجب بطلان است یا نه، می فرماید: اگر قول به بطلان شهرت داشته باشد، موجب قذح روایت می شود. «ولکن مثل هذه الشهرة غیر متحققه لفتوی جمع من الاعیان بالصحة فی هذا الصورة کالاسکافی و الشیخ فی الاستبصار و الحلّی و المحقق فی المعتمد و العلّامه فی المختلف و



۳- با استناد به صحیحۀ زرارة، و با استناد به صحیحۀ محمد بن مسلم (اذا کثر علیک السهو فامض فی صلاتک) به قاعدۀ لاشک لکثیر الشک توجّه داده شده است. (ص ۱۱۶-۱۱۷-۲۰۵)

۴- با استناد به «لانتقض الیقین» به استصحاب توجّه داده شده است. (ص ۱۸۴)

۵- با استناد به صحیحۀ اسماعیل بن جابر (کل شیء شک فیہ مما قد جاوزه و دخل فی غیره فلیمض) به قاعدۀ تجاوز توجّه داده شده است. (ص ۸۹)

۶- با استناد به «اذا شکت فابن علی الاکثر» توجّه به قاعدۀ بناء علی الاکثر داده شده است. (ص ۲۱۴)

۷- با استناد به صحیحۀ صفوان و غیره، توجّه به قاعدۀ حجیت ظن در صلاة داده شده است. (ص ۱۵۸-۶۰)

برجستگیهای تحقیق

آنچه تا اینجا گفته شد، مربوط بود به اصل کتاب. لیکن تحقیق محققان نیز از امتیازات و برجستگیهای زیادی برخوردار است که به مواردی از آنها اشاره می شود.

الف) متن کتاب

۱- تعیین منابع و مآخذ احادیث و اقوال، کمک شایانی در پیدا کردن مطالب مورد نظر دارد.

صاحب المدارک و بعضی مشایخنا المعاصرین». (ص ۴۱) برای اطلاع بیشتر از توجّه به اقوال فقهای گذشته به این صفحات مراجعه شود: ۴۱، ۴۲، ۴۴، ۴۸، ۵۸، ۵۹، ۷۲، ۷۴، ۷۰، ۹۹، ۱۵۴، ۱۶۰، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۳۵، ۲۳۸، ۲۳۷.

در پایان این بحث بجاست خوانندگان محترم را به یک نکته اخلاقی درباره شیخ اعظم توجّه دهم. شیخ با نقل اقوال اساتید و فقهای معاصر خویش نسبت به آنها تجلیل و تعظیم و تکریم به عمل آورده است. بویژه که با القاب عالمانه از آنها یاد می کند. مثلاً در صفحات متعددی از استاد خویش محقق نراقی، صاحب مستند، با لقب «بعض مشایخنا المعاصرین» یاد می کند.

ر. ک: ص ۴۲-۷۲-۱۱۱-۱۲۱-۱۹۰-۲۲۷ و ۲۴۲

همچنین نسبت به مرحوم شفتی، که از علمای هم عصر ایشان بوده است، به صورت «بعض السادة المعاصرین» یاد می کند، که این درس بزرگی است برای فقهای زمان. (ص ۱۹۱-۱۹۵)

توجه به قواعد فقهی

از عناصر بسیار مؤثر در استنباط احکام شرعی، قواعد فقهی است. در کتاب مزبور اگرچه صریحاً کمتر از این قواعد نام برده شده است، ولی در موارد زیادی به محتوا و منشأ آنها اشاره رفته است. برای نمونه به مواردی اشاره می شود:

۱- با استناد به موثقه محمد بن مسلم (عن ابی جعفر کما شککت فیہ مما قلمضی فامضه کما هو) توجّه به قاعدۀ فراغ شده است. (ص ۱۸۹-۱۰۱)

۲- با استناد به صحیحۀ زرارة (لاتعاد الصلاة الا فی خمس الطهور والوقت والقبلة والركوع والسجود) به قاعدۀ لاتعاد توجّه شده است. (ص ۲۳-۱۰۱-۸۶)

۲- رعایت قواعد رسم الخط و نشانه گذاری بدقت رعایت شده است.

۳- اضافه کردن کلمه های در داخل قلاب که مقتضای سیاق بوده، در فهم عبارت بسیار مؤثر است. به عنوان نمونه در صفحه ۶۲، علی وجه [آخر] و در صفحه ۶۳، ضعف المقابله عن کونها [قرینه] و در صفحه ۸۷، ولاشک ان مقتضی [الاصل]. برای اطلاع بیشتر به صفحات زیر مراجعه کنید: ۸۹، ۱۰۵، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۲۰، ۱۲۱ و ۱۲۵.

۴- تعیین منبع ارجاعاتی که در کتاب آمده است؛ برای نمونه در صفحه ۲۸، فسیاتی مشخص شده و در صفحه ۷۸ و نیز صفحه ۲۹، فسیاتی مشخص شده در صفحه ۷۶ و در صفحه ۲۹ روایت ابن اعینی و ابن ایصر المتقدمین مشخص شده است. برای اطلاع بیشتر به موارد ذیل مراجعه کنید: ۲۹، ۵۰، ۷۳، ۹۳، ۹۸ و ۱۰۵. ه- یکنواختی و همگونی در ارجاعات در سراسر کتاب به چشم می خورد.

۶- استفاده از حدود صد منبع برای تصحیح و تحقیق کتاب نشانگر تحمل زحمات طاقت فرسای محققان محترم است.

ب) فهرستهای فنی راهنما

بی گمان فهرست راهنما در کتاب مانند کلیدی است که محقق را به گنجینه مطالب می رساند. لذا هرچه این فهرستها از نظر کمی و کیفی رشد کند، استفاده محقق از کتاب بیشتر می شود. محققان محترم دوازده فهرست برای کتاب تهیه کرده اند: ۱- فهرست آیات ۲- احادیث ۳- اسامی معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین) ۴- روایات موصوفه ۵- اسامی روات ۶- اعلام ۷- جماعات و القاب ۸- مذاهب و فرق ۹- اماکن و شهرها ۱۰- کتابها ۱۱- مصادر تحقیق ۱۲- موضوعات.

تذکری به محققان

در خاتمه تذکراتی به ذهن قاصر اینجانب رسیده که امید است بیان آنها خالی از فایده نباشد.

۱- در ص ۲۲ در عبارت «واعتضادها بالاصل المتقدم» محققان محترم اصل را در پانویس به اصالة الرکنیه تفسیر کرده اند. ظاهراً منظور از اصل متقدم اصالة بطلان العباده در صفحه ۲۰ است. چون اولاً اصالة الرکنیه در کلام شیخ نیامده است. ثانیاً سیاق عبارت با اصالة بطلان العباده می سازد.

۲- تحقیق و تعین تاریخ تحریر هر یک از این مجموعه نسبت به همدیگر از یک طرف و نسبت به کتابهای دیگر شیخ، خالی از فایده نیست.

۳- در صفحه ۴۱ کلام شیخ که صحّت را به عده ای نسبت می دهد در پانویس شماره ۱۰ آمده است: «وفی النسبته تأمل» مناسب بود وجه تأمل بیان شود.

۴- ظاهراً بعضی از عناوین در فهرست الجماعات و القاب ضرورت ندارد. مثلاً با آمدن عنوان «الاکثر» از عنوان «اکثر الاصحاب» و با عنوان «اصحابنا» از عنوان «اصحابنا المتأخرین» و با عنوان «بعض مشایخنا» از «بعض مشایخنا المتأخرین» بی نیاز هستیم.

۵- شایسته بود به جای آوردن تمام عنوانهای مطالب در حاشیه کتاب، بعضی از عنوانهای کلی و جامع را در وسط سطر بیاورند. این کار محقق را در رسیدن به مطالب بیشتر کمک می کند.

۶- مناسب بود مشخصات چاپ کتابهایی که به نحوی اسم آنها آورده شده، تعیین می شد. مثل وسائل الشیعه، کافی، فرائد الاصول و سرائر.

۷- در بعضی از موارد ارجاعات با یکدیگر همخوانی ندارد. برای نمونه ارجاع شماره ۲ در صفحه ۲۷، دیده شود.

